

شهروندان به زودی

به خانه‌هایشان بازمی‌گردند؛

تداوم آتش نیوزلند تا فروردین ۹۸

سینا سبزیان

انتظار می‌رود آتش‌سوزی گسترده نیوزلند برای هفته‌ها ادامه داشته باشد اما گفته می‌شود که آتش از مناطق مسکونی فاصله گرفته است. مقامات محلی با اعلام این خبر ابراز امیدواری کرده‌اند که شهروندان تخلیه شده کم‌کم قادر به بازگشت به محل زندگی خود باشند. نزدیک به سه هزار نفر از اهالی ویکفیلد، نزدیک به نلسون در قسمت بالایی جنوب جزیره روز شنبه (بیستم بهمن ماه) در حالی که شعاع آتش به سه کیلومتری محل زندگیشان رسیده بود، وادار به تخلیه شهر شدند. آتش اوایل هفته گذشته میلادی در جنگل‌های انبوه منطقه آغاز شد و کم‌کم به مساحتی حدود دو هزار و ۳۰۰ هکتار کشیده شد. تا کنون تنها یک خانه تخریب شده است و هیچ مرگی بر اثر این حادثه گزارش نشده است. نزدیک به ۱۹۰ آتش‌نشان، ۱۰ هلیکوپتر و دو هواپیما برای خاموش کردن این آتش‌سوزی به کار گرفته شدند.

جان ساتون، رئیس آتش‌نشانی با اعلام اینکه شرایط آتش‌اندکی فروکش کرده است گفت: هنوز زود است که اعلام کنیم آتش به کنترل درآمده است. وی به خبرنگاران گفت: درون آتش بسیار داغ است و هر لحظه احتمال شعله‌ور شدن آن می‌رود. ضمن آنکه مناطقی در آتش وجود دارند که هنوز درگیر آتش‌نشانانند. بنابراین هر چند ما آتش را به گوشه‌ای محدود کرده‌ایم، اما آتش‌نشانان تا ماه مارس (اسفند - فروردین) درگیر خاموش کردن این آتش خواهند بود. هیچ بارش مهمی در منطقه در دو هفته آینده پیش‌بینی نمی‌شود. راجر بال، رئیس منطقه‌ای دفاع مدنی گفت: شهروندان ویکفیلد احتمالاً تا اوایل روز سه‌شنبه می‌توانند به خانه‌های خود بازگردند، اما شرایط آتش‌سوزی همچنان در منطقه برقرار است و تا زمانی که آتش به کنترل در نیاید، مردم باید مراقب باشند. وی افزود: مردم باید شرایط را درک کنند و قبول کنند که آمادگی برای ترک دوباره منطقه ضروری است.



وی ادامه داد مردمی که در حواشی روستا زندگی می‌کنند بسیار به آتش نزدیک‌تر هستند و باید همچنان بر اساس شرایط آتش‌سوزی ادامه دهند تا اعلامیه‌های بعدی منتشر شود. گفته می‌شود که شروع آتش احتمالاً بر اثر نقص در تجهیزات کشاورزی ایجاد شده است. البته پلیس از شروع دو آتش کوچک دیگر خبر داده بود که انتظار می‌رود به صورت عمدی روشن شده باشند. استرالیای نیوزلند در حال حاضر شاهد یک تابستان داغ در نیمکره جنوبی هستند. استرالیای بر اساس گزارش‌ها در ژانویه گذشته (آذر - دی) شاهد گرم‌ترین ماه خود در کل تاریخ بوده است؛ موضوعی که منجر به آتش‌سوزی‌های گسترده در بخش جنوبی و سبیل‌های سهمگین در مناطق استوایی شمال این کشور شده است. هر چند که آب و هوای نیوزیلند همچون استرالیای در شرایط بحرانی قرار نگرفته است، اما مردم این کشور در چند روز آخر ماه ژانویه روزهای گرمی را تجربه کردند. گفته می‌شود که از سال ۱۹۵۵ میلادی وقوع چنین آتش‌سوزی در نیوزیلند بی‌سابقه بوده است. در چند روز گذشته با شدت گرفتن بادهای محلی مقامات نسبت به توسعه آتش در روز یکشنبه هشدار داده بودند که همین عامل منجر به تخلیه منطقه شد. بی‌بی‌سی گزارش کرده بود که وقوع این آتش‌سوزی مقامات را شگفت‌زده کرده و آن‌ها در کنترل شرایط غافل‌گیر شده بودند. آنطور که رسانه‌های محلی گزارش کردند این آتش‌سوزی طی ۵۰ سال گذشته حادثه‌ای بی‌مانند بوده است. تقویت با‌دفا دولت را بر آن داشت که وضعیت فوق‌العاده در این مناطق اعلام کند و شهروندان را از این مناطق تخلیه کنند. این شهروندان که خانه‌های خود را بدون اخطار قبلی ترک کرده بودند به دلیل نبود شرایط مناسب در مکان اسکان خواهان بازگشت سریع‌تر به خانه‌های خود هستند.

وزن و تلامیدان نبرد می‌شود؛

## تقابل غول‌های جنگ سرد



سید محمد میرزا محمدزاده

سقوط اتحاد شوروی، به نظر می‌رسد آمریکای لاتین، حداقل برای مدتی، به منطقه آزاد ژئوپلیتیک بدل شده بود. فروپاشی و عدم یکپارچگی جماهیر شوروی، آمریکا را بدون چالش به برجسته‌ترین تأثیرگذار منطقه‌ای تبدیل کرد. کاسترو در کوبا به وسیله چالش‌های عمیق اقتصادی به درون مجاله شد. همچنان که کشورهای این منطقه دموکراتیزه شدند و از بازار آزاد استقبال کردند، کل منطقه به لحاظ ایدئولوژیک نیز به صورت گریزناپذیری تک قطبی شد.

اما از اوایل دهه ۲۰۰۰ شرایط رو به تغییر گذاشت. اول از همه نسلی از رهبران جدیدی که اقتصادهای نئولیبرال را عامل و منبع فقر و نابرابری مداوم می‌دانستند، پرورش یافتند. دولت‌هایی که از سوی اشخاصی همچون چاوز در ونزوئلا، اوو مورالس در بولیوی و رافائل کورادو در اکوادور اداره می‌شدند، خواسته‌های سیاسی پوپولیستی را چند برابر کردند و برنامه‌های اقتصادی با تمایل شدید به سمت غیرلیبرال شدن را اجرا کردند.

این دولت‌ها ایالات متحده را منجر به ایجاد میدان نبرد برای قدرت‌های بزرگ رقیب شده است تا برای تأثیر گذاشتن و منافع بیشتر با یکدیگر مقابله کنند. حالا همچنان که ایالات متحده با بحران کاهش قدرت ژئوپلیتیک در سرتاسر جهان مواجه شده، جایگاهش در حیاط خلوت خود نیز تحت فشار قرار گرفته است.

منطقه از گذشته صحنه تمرکز رقابت‌های جهانی بوده است، از تقابل اسپانیا - پرتغال در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی گرفته تا جنگ سرد بین واشنگتن و مسکو؛ اما از زمان

در همه جا رو به رشد بوده است و این موضوع به کشورهای که از سوی رادیکال‌های پوپولیست اداره می‌شود، محدود نیست. تجارت چین و وام‌هایش حیات را برای حکام غیرلیبرال همچون چاوز و مادورو تأمین کرده بود؛ چرا که آسیب‌پذیری آن‌ها را نسبت به ایالات متحده و فشارهای غرب کمتر کرد. مشارکت نظامی چین به دنبال تجارت این کشور، این ترس را ایجاد کرد که یکن در تلاش است تا جای پای استراتژیک خود را در بلوک غرب محکم کند. اگر چه

جنبه‌های روابط چین با کشورهای آمریکای لاتین همچنان جای بحث دارد، به‌طور مثال، برخی طرح‌های زیر ساختی چین به دلیل استفاده از کارکنان چینی به جای کارگران آمریکای لاتین، همواره مورد انتقاد هستند؛ با این حال چین بدون شک به یکی از بازیگران بلوک غرب بدل شده است.

روسیه نیز حمایت‌های اقتصادی و دیپلماتیک خود را نثار چاوز، مادورو و دیگر حکامی همچون دانیل اورتگای نیکاراگوئه کرده است. این کشور هواپیماهای جت، تانک و دیگر تسلیحات را برای دولت‌های پوپولیست منطقه تأمین کرده است و دوباره به تأمین فناوری‌های نظامی و نفت برای کوبا روی آورده است.

اما موضوع دیگری که بیشترین نگرانی را برای دولت ایالات متحده به همراه داشته، تلاش کرملین برای ایجاد حضور اطلاعاتی قوی در نیکاراگوئه است. کارنگی ایندومننت، و سیاست تحلیلی آمریکایی از زبان ناظران صلح بین‌الملل در این باره گفته است: رویکرد امروز مسکو به آمریکای

روسیه، به صورت آشکار و با سر و صدا، راهکاری برای تضمین امنیت ایدئولوژیک دنیا برای چین حکامی در پکن و مسکو است.

همه این مسائل به ایجاد زمینه بحران در ونزوئلا دامن می‌زند. رشد تأثیر روسیه و چین در آمریکای لاتین به صورت عام و در ونزوئلا به صورت خاص، دستاویزی برای دولت ترامپ بوده تا بیری حقوق بشر و دموکراسی را در این موضوع به دست بگیرد. با اعمال تحریم‌های سخت اقتصادی، اعلام مقابله نظامی برای پایین کشیدن مادورو و حمایت از خوان گویادو، رهبر مخالف سیاسی، دولت ترامپ به دنبال محروم کردن مسکو، پکن و هاوانا از شراکت حیاتی در آمریکای لاتین است. در همین حال روسیه و چین در حالی که واکنش‌های متفاوتی به این بحران نشان داده‌اند، هر دو در تلاش برای حفظ این شراکت به روش خود هستند.

دولت چین مخالفت خود از کمپین بین‌المللی علیه دولت مادورو را اعلام کرده است و در همین حال دولت تحت فشار وی را حتی با وجود حمایت ده‌ها کشور دموکرات از گویادو، به رسمیت می‌شناسد. روسیه اما در این زمینه آشکارتر عمل کرده و واشنگتن را به تلاش برای مهندسی یک کودتا در ونزوئلا متهم کرده است و این حرف‌ها از سوی نماینده روسیه در سازمان ملل متحد عنوان شده است. روسیه همچنین در مورد

مداخله نظامی آمریکا هشدار داده است و به صورت نمادین دو بمب افکن استراتژیک خود را که قادر به حمل تسلیحات هسته‌ای هستند را به ونزوئلا فرستاده است.

بر اساس گزارش‌ها، در اقدامی محکم‌تر، مسکو ۴۰۰ مزدور را برای تقویت گارد حفاظتی مادورو به ونزوئلا فرستاده و به کمک‌های مالی خود به این کشور افزوده است. با در نظر گرفتن همه این مسائل می‌توان گفت که بوی جنگ سرد از این بحران به مشام می‌رسد؛ ایالات متحده و رقبایش، در صفوف مخالف در منازعه‌ای گرد آمده‌اند تا کسی را که یکی از کلیدی‌ترین کشورهای آمریکای لاتین را رهبری می‌کند تعیین کنند.

به‌طور قطع در مواضع مسکو اغراق به صراحت مشهود است. روسیه در نهایت قادر به ارائه قدرت نظامی محدود در ونزوئلا یا هر منطقه دیگر آمریکای لاتین است؛ با این حال حمایت معنوی و تأمین مادی با کمک‌های اقتصادی و نظامی که بدون آن‌ها هیچ است، منجر به آن شده که روسیه و چین بحران کنونی ونزوئلا را پیچیده‌تر و حل‌آن‌را دشوارتر کنند.

**حمایت از رژیم‌های همچون دولت کاراکاس و ماناگوا، چه به روش چین، در سکوت و چه به روش روسیه، به صورت آشکار و با سر و صدا، راهکاری برای تضمین امنیت ایدئولوژیک دنیا برای استبدادگرایان در پکن و مسکو است**

لاتین، با دور تلاش شوروی در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ است.

روابط روسیه و چین با کشورهای آمریکای لاتین همواره تعاملی تعبیر شده است، مسکو و پکن هر دو با جدیت منافی از حمایت خود دریافت کرده‌اند. بهای ادامه حمایت روسیه از رژیم مادورو، تصاحب سهام عمده‌ای از صنعت نفت ونزوئلا بوده است؛ چین نیز از طرفی، ونزوئلا را منبعی برای انرژی می‌بیند و حتی بدون در نظر گرفتن حضور ژئوپلیتیک در منطقه، این کشور به بهبود رشد اقتصادی چین کمک کرده است.

با این حال برای هر دو کشور، مشارکت در ونزوئلا یک منطقه عمیق رقابتی به دنبال دارد؛ دسترسی به آمریکای لاتین راهکاری برای برهم زدن تعادل ایالات متحده به واسطه تغییر تأثیر نفوذ واشنگتن در تعاملات فرامرزی نزدیک است. این مسئله به پکن و مسکو برای برتری تأثیر در منطقه زمانی که رقابت با واشنگتن تشدید شده است، کمک می‌کند. در نهایت حمایت از رژیم‌هایی همچون دولت کاراکاس و ماناگوا، چه به روش چین، در سکوت و چه به روش

**حمایت معنوی و تأمین مادی و با کمک‌های اقتصادی و نظامی که بدون آن‌ها هیچ است، منجر به بحران کنونی ونزوئلا را پیچیده‌تر و حل آن را دشوارتر کند**

آیا ایالات متحده آماده این شرایط جدید که در آن بحران‌های محلی و تنش‌های جهانی یکبار دیگر در مسیری چالش‌برانگیز تلافی داشته‌اند، هست؟ دولت ترامپ برای این مقابله به اعتبار بیشتری نیاز دارد. این دولت صادقانه از مخاطرات تأثیر کنونی چین و روسیه هم برای آمریکای لاتین و نیز ایالات متحده سخن گفته است. از طرفی ایالات متحده تعامل نزدیکی با دیگر کشورهای آمریکای لاتین

از جمله دولت جدید برزیل و جانیر بولسونارو، رئیس‌جمهور دوسر ساز آن برای همکاری به منظور کمپین فشار دیپلماتیک علیه مادورو داشته است. از طرفی تمایلات کمکی کمتری در سیاست آمریکا به چشم می‌خورد. ترامپ پیش‌تر رویکردی خصمانه نسبت به توافق نفتا و تعامل با مکزیک و دیگر کشورهای آمریکای لاتین نشان داده بود که انگیزه همکاری‌های اقتصادی و تنوع بخشی به آن با چین را برای این کشورها افزایش داد. در همین حال دولت آمریکا نسبت به تهدید افزایش تعاملات و سرمایه‌گذاری چین در این کشورها هشدار داده است، اما برای کشورهای آمریکای لاتین مشخص نکرده که برای منابع به کدام کشور پناه ببرند.

از طرفی اظهارات گستاخانه اخیر ترامپ علیه مردم اسپانیایی تبار منجر به کاهش محبوبیت وی در میان این جماعت شده است. در نظر سنجی مرکز تحقیقات پیو در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۶۶ درصد از مردم آمریکای لاتین از هفت کشور مختلف دیدگاهی مثبت در مورد ایالات متحده به برای منابع به کدام کشور پناه ببرند. در دوره ترامپ این میزان به ۴۷ درصد کاهش داشت. در نهایت ایجاد یک استراتژی جامع برای کنار آمدن با تأثیر چین و روسیه، نیازمند سیاستی پایدار و سازنده در روابط کلیدی است، استعدادی که در دولت کنونی آمریکا به ندرت آشکار می‌شود. واشنگتن از خواب غفلت در مورد چالش‌هایی که برای منافعی در آمریکای لاتین به وجود آمده، بیدار شده است. نتیجه موضوع ونزوئلا نشان‌دهنده اولیای است که آیا سیاست‌هایش به ریل بازگشته است یا نه.



(اردیبهشت - خرداد) اتحادیه اروپا نماینده داشته باشند، اما برخی دیگر از معترضان معتقدند جنبش کنونی باید از مباحث رسمی سیاسی مصون بماند.

مباحث خود را در زمینه بحث‌های دولتی عنوان کردند. برخی از مردم عنوان می‌کنند گروه‌های جلیقه زرد باید برای انتخابات ماه می

## تقابل چپ و راست در خیابان‌های پاریس

مریم علامه‌زاده

زرد مشارکت داشتند با مشت و سنگ و چوب در بخش شرقی شهر لیون به جان هم افتادند.

این خشونت‌ها گواه دیگری بر افزایش اختلافات در بین رهبران این جنبش خود جوش بود. این جنبش که ابتدا علیه افزایش بهای سوخت شکل گرفت، کم‌کم به تقابل علیه قشر سیاسی خاصی که متهم به بی‌اطلاعی از افسار فقیر جامعه هستند، بدل شد.

انارشیست‌ها و حامیان گروه‌های افراط‌گرا چه در جناح چپ و چه راست،

معمولاً به معترضان جلیقه زردها می‌پیوندند و با نام اغتشاش‌گر شناخته می‌شوند که قصدشان تخریب بیشتر تاجای ممکن است.

حدود ۵۵ هزار جلیقه زرد شنبه این هفته برای سیزدهمین هفته پیاپی به خیابان‌ها ریختند که پنج هزار نفر از آن‌ها فقط در پاریس بودند. تعداد معترضان هفته به هفته کمتر می‌شود، برخی از این افراد اعتراض خود را با خشونت و حمله به نمادهای عمومی از جمله میدان پیروزی در پاریس نشان می‌دهند، دیگران اما